



زندگی نامه کوروش بزرگ، شاه جهان

مداړك تاريخي، منابع نوشتاري، شواهد باستان شناسي



مټ واکړ او ترجمه علي اصغر سلحشور

زندگی نامه کوروش بزرگ، شاه جهان



زندگی‌نامه کوروش بزرگ، شاه جهان

مدارک تاریخی، منابع نوشتاری، شواهد باستان‌شناسی

مَت واترز

علی اصغر سلحشور

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

- سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
پادداشت
پادداشت
پادداشت
پادداشت
عنوان دیگر
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
شناسه افزوده
شناسه افزوده
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی
اطلاعات رکورد کتابشناسی
- واترز، متیو ویلیام، ۱۹۶۷-
-Waters, Matthew W. (Matthew William), 1967
زندگی نامه کوروش بزرگ، شاه جهان: مدارک تاریخی، منابع نوشتاری،
شواهد باستان شناسی / مت واترز [مترجم] علی اصغر سلحشور.
تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۴۰۱.
۳۴۰ ص: مصور.
978-600-8687-99-3
فیبا
عنوان اصلی: King of the world : the life of Cyrus the Great, 2022
کتاب حاضر با عناوین و مترجمان متفاوت در سال ۱۴۰۱ فیبا گرفته است.
کتابنامه: ص. ۳۰۱-۳۳۰
نمایه
مدارک تاریخی، منابع نوشتاری، شواهد باستان شناسی
کوروش هخامنشی، شاه ایران، ۵۲۹ ق.م -
سلسله هخامنشیان - ۵۲۱ - ۳۳۰ ق.م
Achaemenid dynasty - 559 B.C.-330 B.C
ایران - شاهان و فرمانروایان - سرگذشتنامه
Iran - Kings and rulers - Biography
ایران - تاریخ - هخامنشیان، ۵۵۸ - ۳۳۰ ق.م
Iran - History - Achaemenians, 558 - 330 B.C
سلحشور، علی اصغر، ۱۳۶۴ - مترجم
Salahshoor, Ali Asghar
DSR13۶
۰۱۵۹۵۵
۹۱۶۳۰۸۷
فیبا



نشر تاریخ ایران

نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)

تهران، خیابان فلسطین، ساختمان ۱۱۰، طبقه سوم، شماره ۳۰۴، تلفن: ۶۶۴۶۳۰۳۰

زندگی نامه کوروش بزرگ، شاه جهان

مدارک تاریخی، منابع نوشتاری، شواهد باستان شناسی

مت واترز

علی اصغر سلحشور

حروفچینی، صفحه آرایی و نظارت: نشر تاریخ ایران

طرح جلد: سارا کاوه چاپ و صحافی: الغدير

چاپ اول: ۱۴۰۲ تیراژ: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۸۷-۹۹-۳ ISBN: 978-600-8687-99-3

قیمت: ۲۹۰۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است.

Website: nashretarikheiran.com

Instagram: nashretarikheiran

Telegram channel: @nashretaarikh

Email: nashretarikheiran@gmail.com

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار مترجم
۹	پیشگفتار
۱۷	جدول گاهنگارانه
۱۹	خط سیر یا بازه زمانی
۲۱	فصل اول: دیباچه: شاهان انشان
۶۵	فصل دوم: نیروی سرسخت
۹۵	فصل سوم: در مسیر پیشروی
۱۳۱	فصل چهارم: برگزیده
۱۶۵	فصل پنجم: طرح و پروژه شاهنشاهی
۲۳۱	فصل ششم: میراث
۲۶۷	پیوست A: درباره منابع
۲۷۷	پیوست B: ترجمه استوانه کوروش
۲۸۳	پیوست C: چشپیش و هخامنشیان
۳۰۱	کتاب‌شناسی
۳۳۱	نمایه

پیشگفتار مترجم

کوروش بزرگ بنیان‌گذار شاهنشاهی هخامنشی بی‌تردید یکی از بزرگ‌ترین و نامدارترین شخصیت‌های تاریخ جهان به شمار می‌رود. کوروش از محبوبیت و آوازه چشمگیری در روزگار باستان برخوردار بود که البته تا به امروز نیز با شدت و ضعف ادامه داشته است. شخصیت مثبت و مردمی کوروش در منابع گوناگونی نشان داده شده است؛ از منابع عهد عتیق گرفته (اشعیا، ارمیا، دانیال) تا منابع کلاسیک یونانی و رومی شخصیت کوروش را ستوده‌اند و برای او به‌عنوان شاهی مردم‌دار و نیک‌خواه احترام ویژه‌ای قائل شده‌اند. گزنفون در کتاب کوروش‌نامه خود او را به‌عنوان شاه آرمانی و فرزانه به تصویر کشیده است که با دادگری فرمانروایی می‌کرد. سیسرون، خطیب و سیاستمدار نامدار رومی، نیز کوروش را فردی کامل، بی‌عیب و نقص و پرابهت دانسته است. تقریباً تمام نویسندگان و مورخان دیدگاه مثبتی نسبت به او دارند و این امر در نوع خود جالب است، در واقع هیچ پادشاهی به اندازه کوروش با بازخوردهای مثبت رویه‌رو نشده است. یکی از منابع مهم دوره پادشاهی کوروش متون نوشته شده به خط میخی و زبان اکدی است که مشهورترین این اسناد استوانه کوروش است، اما این سند تنها مدرک اکدی درباره کوروش نیست، مدارکی مانند رویدادنامه نبونئید، استوانه سیپر نبونئید، استل حرّان، روایت منظوم و متن رؤیا از جمله آن‌ها هستند. البته متونی مانند متون قراردادی و یادداشت‌های روزانه نجومی نیز اطلاعات کلی درباره شاهان

بابل از جمله کوروش در اختیار قرار می‌دهند. متن متأخرتر دیگری به نام پیشگویی دودمانی نیز از کوروش به‌عنوان شاه ایلام یاد کرده است.

مت واترز، نویسنده کتاب «کوروش بزرگ، شاه جهان»، استاد تاریخ باستان دانشگاه ویسکانسین آمریکا است که یکی از حوزه‌های علمی موردعلاقه او ایران باستان به شمار می‌رود. او در این کتاب زوایای گوناگون شخصیت کوروش را در مدارک گوناگون تاریخی، نوشتاری و شواهد باستان‌شناختی واکاوی و بررسی کرده است. مزیت اصلی این کتاب نیز همین است که تنها به کشورگشایی‌ها یا فتوحات کوروش نپرداخته است و وجوه گوناگون شخصیت و زندگانی کوروش مانند قومیت، خاستگاه و زادگاه، دودمان و تبار، نیاکان، زاده شدن و مرگ، پیوند دودمانی او با داریوش یکم و پیوند خونی او با آستیاگ، تدابیر جنگی، باورهای دینی و آیینی، ساختن یادمان‌ها، بناها و احداث پردیس و باغ شاهی در پاسارگاد، پسران و دختران او و غیره را در مدارک تاریخی، نوشتاری و شواهد باستان‌شناختی موردبحث قرار داده است. واترز در کتاب خود منابع نوشتاری کمترشناخته شده‌ای مانند آجرهای نوشته‌دار اکدی یافت شده از کوروش در اور و اوروک (میان‌رودان) را نیز بررسی کرده است و در یکی از پیوست‌های کتاب خود ترجمه جدیدی از استوانه کوروش ارائه داده است. یکی از مباحث جالب کتاب نیز موجودیت و جایگاه والای دختران کوروش بزرگ، آتوسا و آرتیستونه (ایرتشدونه)، در منابع نوشتاری و به ویژه گِل‌نوشته‌های بایگانی باروی تخت‌جمشید است که نشان می‌دهد این دختران به واسطه پدر نامدار خود به بالاترین مقام و جایگاه در دوره داریوش بزرگ دست یافتند.

کتاب پیش رو باتوجه به اینکه زوایا و وجوه گوناگون زندگی، شخصیت و فعالیت‌های کوروش را مطالعه و بررسی کرده است و فقط به یک جنبه از زندگی او، برای نمونه جنگ‌ها، اشاره نکرده است می‌تواند برای خوانندگان فرهیخته و تیزبین جذاب و گیرا باشد. در این میان بی‌تردید دانشجویان، پژوهشگران و علاقه‌مندان به تاریخ، فرهنگ و باستان‌شناسی ایران باستان به ویژه دوره هخامنشی از خواندن آن لذت می‌برند و مطالب و مباحث کتاب آن‌ها را سیراب خواهد کرد.

پیشگفتار

کوروش بزرگ بنیان‌گذار شاهنشاهی پارسی هخامنشی از سال ۵۵۹ تا ۵۳۰ پ.م فرمانروایی کرد. او شخصیتی تحول‌آفرین در تاریخ جهان بود و برای مردمان بسیاری، چیزهای زیادی به ارمغان آورد. کوروش برای پارسیان و ایلامیان متقدم رهبری شگفت‌انگیز و استثنایی بود که آن‌ها را به صحنه جهانی وارد کرد که از آسیای میانه تا آناتولی و فراتر از آن گسترده بود، رؤیایی که در قالب افزایش چشمگیر ثروت آن‌ها هم از نظر استعاری و نمادین و هم در واقعیت محقق شد. از نظر بابلی‌های باستان این پادشاه برای آن‌ها مانند حمورابی بود، هرچند او فردی بیگانه بود، بر اساس سنت‌های آن‌ها عمل می‌کرد. او از نظر یهودیان باستان شخصیتی بنیادی بود که از او به عنوان مسیح یاد کرده‌اند که بازسازی معبد سلیمان را تسهیل کرد و آنچه را که امروزه دوره دوم معبد نامیده می‌شود، بنیاد نهاد. کوروش از منظر نویسندگان یونان و روم باستان فرمانروایی نمونه و الگو بود که در عین سرسختی و بی‌باکی برترین صفات رهبری و نبوغ در او متبلور بود. در دوره معاصر همین صفات شگفت‌انگیز نیز درباره کوروش به کار برده می‌شود که برای بسیاری نماد ملی‌گرایی است و شکوه دوره‌های متقدم تاریخ ایران را در خود دارد. چه عواملی او را «بزرگ» گردانید؟ البته ورای لقب «شاه بزرگ» که توسط بسیاری از شاهان دوران باستان استفاده شد، اما این عنوان و لقب پس از پایان

فرمانروایی‌شان برای آن‌ها باقی نمی‌ماند. تا جایی که به بحث مربوط است، لقب «بزرگ» در طول تاریخ پس از طی شدن زندگانی برخی از اشخاص (البته نه در همه موارد) به آن‌ها اطلاق می‌شد که به دلیل برجسته بودن آن‌ها در ویژگی‌های جسمانی و توانمندی‌ها و دستاوردهایشان به آن‌ها داده می‌شد. همه این موارد درباره کوروش صدق می‌کند که جزئیات آن در این کتاب بررسی می‌شود. با این همه کوروش فردی مبهم و اسرارآمیز است، زیرا از او به جز تعداد انگشت‌شماری کتیبه‌های شاهی باقی نمانده است. در نتیجه باید دیدگاه‌های باستانی و کهن را که اغلب متفرق و پراکنده هستند غربال کرد تا درک درستی از این مرد داشته باشیم. با این وجود، چندین قوم در روزگار باستان به کوروش دلبستگی داشتند و شیفته او بودند و نکته جالب توجه این است که او تقریباً در همه منابع، فرهنگ‌ها و در طول سده‌ها شخصیت محبوب و مثبتی نشان داده شده است، بنابراین کوروش به دلیل اثری که بر تاریخ جهان بر جای گذاشته است، در هر جایی که شاهنشاهی باستانی هخامنشی پا گذاشته است، میراث باشکوه و در عین حال گاهی ناملموس او دیده می‌شود، مگر اینکه خلاف آن ذکر شده باشد. منظور از «کوروش» در سراسر این کتاب کوروش دوم یا به تعبیری کوروش بزرگ است. افراد دیگری نیز با نام کوروش وجود داشتند، از جمله پدر بزرگ کوروش بزرگ که کوروش یکم نامیده می‌شود. یکی دیگر از افراد شاخص با نام کوروش شخصی به نام کوروش کوچک است که در سده چهارم زندگی می‌کرد و کوروش بزرگ جد اعلای او به شمار می‌رفت. نام «سایرس» (Cyrus) برگرفته از صورت انگلیسی شدهٔ املای لاتین این نام است که «در یونانی، کورُس (Kuros)، در عبری کُرش (Koreshe)، در ایلامی و بابلی کورَش (Kurash) و در فارسی باستان، کوروش (Kurush) خوانده می‌شود.

عنوان این کتاب برگرفته از یکی از محدود کتیبه‌های شاهی باقی‌مانده از کوروش است که مدت کوتاهی پس از چیرگی بر امپراتوری بابل در سال ۵۳۹ پ.م وقف شده است. لقب بابلی شَر کِشْتی^۱ به معنای «شاه جهان» همان طور که

درباره کوروش به کار رفته است، به صورت تلویحی و به صراحت نشان داده شده است (š در انگلیسی «sh» تلفظ می‌شود). واژه کیشستی به معنای جامعیت (تمامیت) است که همه چیز را در بر می‌گیرد و در واقع برخی از ترجمه‌های جدید، برگردان «کیهان یا گیتی» را برای انتقال این معنی ترجیح می‌دهند. به نظر ترجمه «جهان» برای این واژه کفایت کند که به این وسیله فرمانروایی کوروش بر قلمروی انسانی را از حاکمیت خدایان متمایز کند. لقب شَر کیشتی لقب تازه و نویی محسوب نمی‌شد، اما هنگامی که کوروش «شاه جهان» شد این لقب بیش از هر فرمانروایی قبل از او رنگ واقعیت به خود گرفت.

البته در آن زمان کوروش بر مصر تسلط نیافته بود که برای سده‌ها بخشی از همان جهان، یعنی شرق نزدیک باستان بود، منطقه‌ای که امروزه از آن به عنوان خاورمیانه یاد می‌شود. البته این لقب و عنوان شامل سرزمین‌های آن‌سوی دره سند یا ایندوس و به‌ویژه آن‌سوی هیمالیا نمی‌شد. با این همه، چیرگی و استیلای کوروش سبب شد که بزرگ‌ترین امپراتوری پیش از او، یعنی امپراتوری آشوری کمتر به حساب آید و دو نسل پس از مرگ او، یعنی جانشینانش کمبوجیه (پسر کوروش)، داریوش یکم (با یکی از دختران کوروش به نام آتوسا ازدواج کرد) و خشایارشا (نوه کوروش) قلمروهای دیگری از جمله مصر و سایر بخش‌های شمال شرقی آفریقا و نیز دره سند را به آن افزودند (این قلمرو در نقشه ۱ نشان داده شده است). شاهنشاهی پارسی هخامنشی به مدت کوتاهی پس از شکست آن از اسکندر مقدونی زیر سایه قرار گرفت و تنها چند سده بعد دوباره با اوج امپراتوری روم برابری کرد.

شوربختانه، مدارک اندکی برای شخصیتی با اهمیت تاریخی کوروش وجود دارد. بی‌تردید بخشی از آن به این دلیل است که در دوران معاصر چندان به کوروش پرداخته نشده است، به ویژه هنگامی که او با کشورگشایان بزرگ دیگری مانند اسکندر مقدونی، ژولیوس سزار یا چنگیزخان مقایسه شود که راه او را دنبال کردند. کوروش احتمالاً با هریک از این افراد برابری می‌کند، هرچند

کتاب‌های اختصاص یافته به او نسبت به هریک از افراد قبلی بسیار کمتر است. چند همایش علمی و نمایشگاه‌های موزه‌ای در سال‌های اخیر آوازه کوروش و هخامنشیان را بالاتر برده است. اهمیت کتیبه موسوم به استوانه کوروش از دیدگاه کوروش اهمیت تاریخی او را در طول نسل‌ها گوشزد می‌کند. امانت این اثر که به طور معمول در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود به موزه ملی ایران در سال ۲۰۱۰ میلادی و پس از آن نمایش دادن آن در موزه‌های گوناگون ایالات متحده در سال ۲۰۱۳ میلادی انگیزه‌ای برای انتشار چندین اثر و برگزاری همایش‌های جهانی برای بزرگداشت خود کوروش شد. ادای احترام به این شخصیت و مقالات مرتبط با این رویدادها در کتاب‌های Daryaei 2013, Curtis 2013, Finkel 2013 و Shayegan 2019 منتشر شده است.

تاریخ، بافت و تفسیر است و این امر بی‌تردید درباره بازسازی تاریخی مدارک نامستدل و گاهی متناقض صدق می‌کند. مخاطبان این نوع مباحث درباره کوروش خوانندگان عام هستند. این کتاب زندگی کوروش را از زاده شدن تا رسیدن به تاج و تخت بررسی می‌کند و در این راه مدارک گوناگونی مانند شواهد باستان‌شناختی و تاریخی هنر را مدنظر قرار داده است. اهتمام نگارنده بر آن بوده است که دیدگاه متعادلی را از آنچه می‌دانیم، آنچه نمی‌دانیم و (دست‌کم تا زمان نگارش اثر) آنچه نمی‌توانیم بدانیم، عرضه کند: اذعان بر تردیدها و ابهامات یا مواردی که تفاسیر متفاوتی از شواهد گوناگون وجود دارد. ارجاعات و اشارات منابع اصلی به متون علمی - بحث درباره جزئیات تفاسیر متعدد مورد مناقشه و نکات مرتبط با آن‌ها - در بیشتر موارد در پی‌نوشت‌ها و کتاب‌شناسی آمده است و در این بخش خواننده علاقه‌مند می‌تواند اشارات مرتبط با کوروش را در موضوعات گوناگون بیابد. توصیه من به خوانندگانی که به تازگی با این داده‌ها آشنا می‌شوند این است که بازه زمانی و جدول گاهنگارانه مختصر آن و به ویژه پیوست A کتاب را نگاه کنند تا جهت‌گیری اولیه جهان پیچیده و ناهمگونی را که شرق نزدیک باستان در

اواسط هزاره نخست پ.م تجزیه کرده بود، درک کنند.

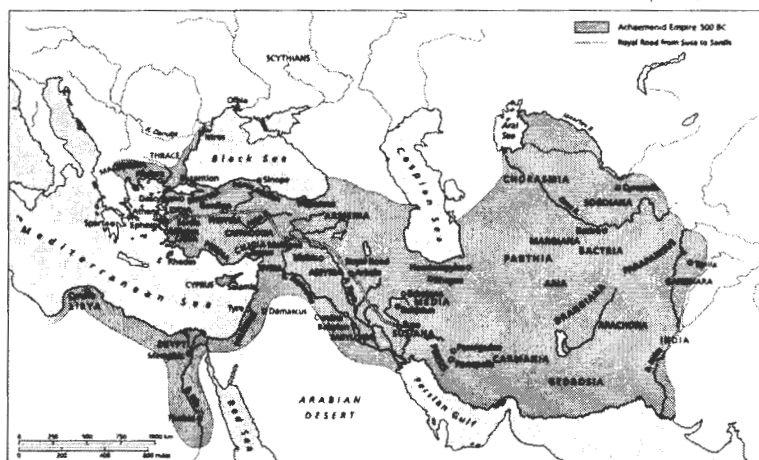
این کتاب عصاره‌ای از آثار علمی است که نزدیک به سه دهه بیشترین توجه پژوهشی من را به خود اختصاص داده است. ایده‌ها و آمیزه‌ای از چندین مقاله و بخش‌هایی از دو کتاب - که برای خوانندگان مبتدی بازمینی، بازنگری و بازنویسی شده‌اند - در این اثر مورد بحث قرار گرفته است. شیفتگی من به کوروش و شاهنشاهی هخامنشی ناشی از جایگاه تک و بی‌همتای آن به منزله قدرت برتر ژئوپولیتیک برای بیش از دو سده در جهان باستان، وارثان و نوآوران چندین جریان سنت و فرهنگ‌های گوناگون در شرق نزدیک باستان است. مدارک نوشتاری این تمدن‌ها به سده‌ها پیش از پیدایش شاهنشاهی پارسی باز می‌گردد. جای تعجب دارد که ما هنوز برای توصیف مطالب و محتوای روایی به معاصران پارسیان، یعنی یونانیان باستان تکیه می‌کنیم تا آنچه را که آن‌ها می‌دانستند یا فکر می‌کردند درباره کوروش می‌دانند، شرح دهیم. با وجود جایگاه بنیادی یونانیان در سنت غربی، لازم به یادآوری است که در زمان کوروش بسیاری از آن‌ها مردمانی فرمانبردار در حاشیه غربی شاهنشاهی هخامنشی بودند.

ترجمه بیشتر منابع مستند به نگارنده تعلق دارد، مگر اینکه مترجم آن بیان شده باشد. ترجمه‌های عهد عتیق از نسخه جدید کتاب مقدس آکسفورد به همراه کتاب‌های کاذبه یا جعلی (چهارده کتاب)^۱ اقتباس شده است. اختصاراتی که در پی‌نوشت‌ها یا یادداشت‌های پایانی به کار رفته‌اند از واژه‌نامه کلاسیک آکسفورد و واژه‌نامه آشوری دانشگاه شیکاگو تبعیت می‌کنند. این واژه‌نامه دوم اثری چندجلدی است که واژه‌نامه آشوری شیکاگو یا به اختصار CAD نامیده می‌شود. املاي انگلیسی نویسندگان و کنشگران یا کارگزاران باستانی گوناگون (و تا جایی که به این امر مربوط است، مکان‌ها و سایر نام‌ها) همیشه یکدست و همسان نیستند. این مسئله گریزناپذیر به واژگان زبان‌ها و الفبای گوناگون مربوط می‌شود، بنابراین تنوع بسیاری در تلفظ آثار جدید و

کنونی وجود دارد. در این کتاب نام‌های شاخص‌تر تاریخ شرق نزدیک باستان به‌طور کلی با شکل لاتین خود نوشته شده‌اند. برای نمونه، Cyrus (نه Kurush یا Kurash) یا Darius (نه Dareios یا Darayavaush). نام‌های دیگر از جمله آشوربانیپال^۱ به کاربرد استاندارد و معیار آثار و منابع معاصر نزدیک هستند. چندین تن در راه کمک به پیشبرد این کتاب سزاوار سپاسگزاری و قدردانی صمیمانه نگارنده هستند. من از استفان ورانکا^۲ که در بهار ۲۰۱۷ میلادی برای نخستین بار پیشنهاد نوشتن این کتاب را داد سپاسگزاری می‌کنم، او با وجود اینکه مسئولیت‌های دیگری نیز داشت راهنمایی‌های ارزنده و حکیمانه‌ای را در پیشبرد مسیر پریچ و خم این پژوهش به من کرد. از تیموتی دیورف^۳، لزلی آنگلین^۴ و کارکنان OUP برای هوش و ذکاوتشان در ویرایش کردن متن، جیمز پرالس^۵ برای طراحی جلد کتاب و سوگانیالانگو^۶ و گروه نیوگن^۷ برای پیشبرد این اثر در مراحل مختلف تولید آن نیز سپاسگزاری می‌کنم. داوران ناشناس - هم در طرح پیشنهادی کتاب و هم نسخه دست‌نویس - مجالی برای اندیشیدن بیشتر به من دادند و با دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرانشان برخی از اشتباهات فاحش مرا گوشزد کردند. من صمیمانه از رمی بوشارلا^۸، بث دوسینبر^۹، مارک گریسن^{۱۰}، دنیل پاتس^{۱۱}، کارن رادنر^{۱۲}، چسی روچبرگ^{۱۳}

1. Ashurbanipal
2. Stefan Vranka
3. Timothy DeWerff
4. Leslie Anglin
5. James Perales
6. Suganya Elango
7. Newgen
8. Rémy Boucharlat
9. Beth Dusinberre
10. Mark Garrison
11. Dan Potts
12. Karen Radner
13. Chessie Rochberg

و مارگارت روت^۱ برای تصاویر، نقشه‌ها، مجوزها، راهنمایی‌ها و توصیه‌ها و پیشیتبانی‌های مستمر سپاسگزاری می‌کنم. به ویژه مایلم از دیوید استروناخ^۲ قدردانی کنم که این اثر به یادبود او و شخصیت و اعتبارش شکل گرفت و به او تقدیم شده است. من از کتاب‌ها و آثار دیوید به دلیل دستاوردهای ارزنده‌اش به عنوان کاوشگر پایتخت کوروش، پاسارگاد و انتشارات بنیادی و مهم او درباره جایگاه و مقام کوروش و دست‌کم به خاطر علاقه و حمایت او از اثر من بارها در سراسر این کتاب استفاده می‌کنم. شوربختانه او از دنیا رفته است. در پایان باید از همسرم میشل که مظهر صبر و پایداری است، سپاسگزاری و قدردانی کنم.



نقشه ۱: شاهنشاهی هخامنشی در حدود ۵۰۰ پ.م (دوران پادشاهی داریوش یکم)، منبع: کتاب راهنمای آکسفورد درباره دولت‌های شرق نزدیک باستان و منطقه مدیترانه، ویراستاران پ. بنگ و و. شیدل.

جدول گاهنگارانه

ایران		آذربایجان		سیان رودان بزرگ		مست
دوره: ایلام میانه (حدود ۱۵۰۰ تا ۱۰۰۰ پ.م)		شهرنشینی، شهرنشینی، شهرنشینی		نوبت	آشور	بابل
۱۰۰۰ پ.م	شوش (خوزستان)	دوران پارسی (پارس)	دوره: نخست ایلام نو	پادشاهی اسرائیل و بابل	شهرنشینی، آشور نو	شهرنشینی، بابل نو
	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو
۷۵۰ پ.م	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو
	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو
۵۰۰ پ.م	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو
	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو
۲۵۰ پ.م	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو
	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو
۵۰ پ.م	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو
	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو	دوره: نخست ایلام نو

کروش بزرگ
شاهنشاهی پارس

آشور
پادشاهی آشور

خط سیر یا بازه زمانی

شاخص‌های گاهنگارانه اصلی و شاهانی که در این کتاب به آن‌ها اشاره شده است (همه تاریخ‌ها پیش از میلاد هستند):

- ۱۰۰۰ تا ۶۰۹: امپراتوری آشوری
- ۷۲۱ تا ۷۰۵: پادشاهی سارگن دوم، شاه آشور
- ۷۱۷ تا ۶۹۹: پادشاهی شوتروک ناهونته دوم، شاه ایلام
- ۷۰۵ تا ۶۸۱: پادشاهی سنخریب، شاه آشور
- ۶۸۱ تا ۶۶۱: پادشاهی اسرحدون، شاه آشور
- حدود ۶۸۰ تا دهه ۵۴۰: دودمان مرمناد لیدی (آخرین شاه آن کرزوس بود)
- ۶۶۹ تا ۶۳۰: پادشاهی آشوربانیپال، شاه آشور
- ۶۶۴ تا ۶۵۳: پادشاهی تنومان، شاه ایلام
- حدود ۶۵۰: نخستین فعالیت نظامی پارسی در ایلام
- ۶۴۶: تاراج شوش ایلامی توسط آشوریان
- حدود ۶۴۰: کوروش یکم، شاه پارسوماش (انشان) فرمانبرداری و سرسپردگی خود را به آشوربانیپال اعلام می‌کند؛ آروگو، پسر کوروش به دربار آشوری در نینوا فرستاده می‌شود.
- ۶۲۶ تا ۵۳۹: امپراتوری بابل
- حدود ۶۲۰ تا ۵۵۰: اوج قدرت مادها

۲۰ زندگی‌نامه کوروش بزرگ، شاه جهان

- ۶۱۲: غارت نینوا توسط مادها و بابلی‌ها
- ۵۸۶/۵۸۷: غارت اورشلیم توسط بابلی‌ها (نبوکدنصر دوم)
- ۵۵۹ تا ۵۳۰: پادشاهی کوروش بزرگ (دوم)
- ۵۵۶ تا ۵۳۹: پادشاهی نبونید، شاه بابل
- ۵۵۰: شکست آستیاگ از کوروش
- دهه ۵۴۰: تصرف آناتولی توسط کوروش و شکست دادن کرزوس، شاه لیدیّه
- ۵۳۹: تصرف بابل توسط کوروش، اندکی پس از آن استوانه کوروش پیشکش می‌شود.
- ۵۳۸: کوروش و کمبوجیه دوم در مراسم آیینی جشن سال نوی معبد مردوک در بابل شرکت می‌کنند.
- ۵۳۸: مرگ نخستین همسر کوروش، شهبانو کاساندان
- دهه ۵۳۰ تا دهه ۵۱۰: ساخت‌وسازهای اصلی در پاسارگاد
- ۵۳۰: مرگ کوروش بزرگ
- ۵۳۰ تا ۵۲۲: پادشاهی کمبوجیه دوم
- ۵۲۵ تا ۵۲۲: تصرف مصر توسط کمبوجیه
- ۵۲۲: مرگ کمبوجیه دوم در آوریل، پادشاهی بردیا (۶ ماه) و غصب پادشاهی توسط داریوش یکم
- ۵۲۲ تا ۴۸۶: پادشاهی داریوش یکم
- ۵۲۰ تا ۵۱۹: کتیبه بیستون از داریوش یکم
- دهه ۵۱۰: لشکرکشی داریوش یکم به اروپا (بالکان) و دره سند
- ۴۹۹ تا ۴۹۳: پارسیان شورش ایونیه‌ای‌ها را فروشانند.
- ۴۹۰: گسیل نیروی نظامی پارسی به ارتريا و آتیکا؛ نبرد ماراتن
- ۴۸۶ تا ۴۶۵: پادشاهی خشایارشا
- ۴۸۴: شورش‌های بابل
- ۴۸۰ تا ۴۷۹: یورش خشایارشا به یونان

فصل اول

دییاجه: شاهان انشان

«من کوروش هستم، شاه جهان، شاه بزرگ، شاه نیرومند، شاه بابل، شاه چهار گوشه، پسر کمبوجیه، شاه بزرگ، شاه انشان، نوه کوروش، شاه بزرگ، شاه انشان، نواده چیشیش (تیسپس)^۱، شاه بزرگ، شاه انشان، دارای دودمان جاودانه پادشاهی». استوانه کوروش، سطرهای ۲۰ تا ۲۱، سال ۵۳۹ پ.م

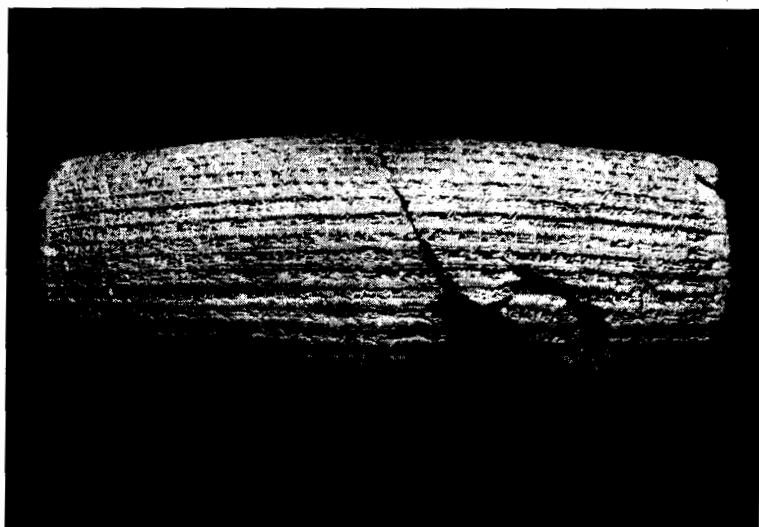
قلمرو و گستره: نقطه عطف نخستین امپراتوری جهانی

چنین برآورد شده است که گستره شاهنشاهی هخامنشی در اوج قدرت خود در حدود سال ۵۰۰ پ.م دو میلیون مایل مربع بود که سرزمین‌ها و اقلیم‌های گوناگون را در بر می‌گرفت: کوه‌ها، فلات‌ها، دشت‌های سیلابی، رودخانه‌ها و دریا‌های پهناور، بیابان‌های ناخوشایند و خطرناک، استپ‌های پهناور و جنگل‌های انبوه. این شاهنشاهی از مرکز خود در پارسه، یعنی استان کنونی فارس، جهان شناخته شده آن روزگار را در بر می‌گرفت، از بلندی‌های غربی هیمالیا و قزاقستان کنونی تا صحرای بزرگ آفریقا و کشورهای امروزی لیبی و سودان، از دره سند یا ایندوس تا منطقه بالکان (نقشه ۱). بیشتر این قلمرو توسط بنیان‌گذار این شاهنشاهی، یعنی کوروش بزرگ، فتح شد که از سال ۵۵۹

تا ۵۳۰ پ.م فرمانروایی کرد. او چهارمین شاه از زنجیره دودمانی به شمار می‌رفت. نقل‌قول آغازین این بخش از استوانه کوروش است که متن بنیادی برای مطالعه درباره کوروش است و در تصویر ۱.۱ نشان داده شده است و بارها در این کتاب به آن اشاره خواهد شد. کشورگشایی‌های او سه قدرت بزرگ آن روزگار را در بر می‌گرفت: مادها در مناطق شمالی ایران، پادشاهی لیدیه در آناتولی و امپراتوری بابل که میان‌رودان و بخش بزرگی از لوانت^۱ را شامل می‌شد. دستاوردهای نظامی و سازمانی کوروش تا آن زمان در تاریخ جهان بی‌مانند بود و از آن زمان به ندرت این اتفاق افتاد و فراتر رفته است. شاهنشاهی پارسی هخامنشی یک واحد ژئوپولیتیک بود که از حدود ۵۵۰ تا ۳۳۰ پ.م، یعنی از دوران پادشاهی کوروش بزرگ تا داریوش سوم دوام آورد. مرگ داریوش سوم در سال ۳۳۰ پ.م در عمل بیانگر انتقال رسمی تاج و تخت به اسکندر سوم (مقدونی) بود. واژه «هخامنشی» هم یک عنوان دودمانی و هم مربوط به دوره مشخص تاریخی است. به نظر می‌رسد که این عنوان از نام هخامنش (Haxāmaniš در فارسی باستان) گرفته شده است، سردودمانی که داریوش یکم (۵۲۲ تا ۴۸۶ پ.م) تبار خود را به او نسبت می‌دهد. او تبار کوروش، بنیان‌گذار شاهنشاهی را نیز به او نسبت داده است.

کوروش بزرگ یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های تاریخ است که در عین حال کمتر موردتوجه قرار گرفته است. او از بسیاری جهات شناخته نشده است که به واسطه سنت‌های متفاوتی که در آن‌ها جلوه‌گر شده است می‌توان به شخصیت او پی برد. پیش از آنکه کوروش را موردتوجه قرار دهیم به بررسی محیطی می‌پردازیم که او در آن زندگی می‌کرد و بر او، ملت‌ها و مردمانی غیر از او که نیاکانش با آن‌ها تعامل داشتند، تأثیر گذاشت. این امر بررسی شواهد مستند، باستان‌شناختی و تاریخ هنری و نیز مسائل تفسیری متعدد آن‌ها را در بر می‌گیرد (به پیوست A مراجعه کنید). به عبارت دیگر، این کتاب بیش از یک

روایت ساده درباره لشکرکشی‌های کوروش است. شاهنشاهی کوروش را می‌توان نقطه عطف ۲۰۰۰ سال تاریخ باستان دانست. تیزهوشی نظامی و دیپلماتیک او منجر به یکپارچگی همه پادشاهی‌های برجسته و مهمی شد که شرق نزدیک باستان را در بر می‌گرفت: به طور کلی، اجتماعات گوناگون ایران (ایلام باستان و پادشاهی‌های مختلف ایرانی از قبیل مادها)، آناتولی (اورارتو^۱، فریگیه^۲ و لیدییه باستان) و میان‌رودان بزرگ و لوانت. تنها استثنای این کشورگشایی‌های گسترده، شمال شرق آفریقا - پادشاهی مصر و قلمروهایی که تا لیبی و سودان و اتیوپی امتداد داشتند - و دره سند بود که توسط پسرش کمبوجیه و دامادش داریوش یکم دو دهه پس از مرگ کوروش در سال ۵۳۰ پ.م گشوده شدند.



تصویر ۱.۱: استوانه کوروش از بابل. موزه بریتانیا، شماره ثبت: ۹۰۹۲۰، سال ۵۳۹ پ.م
(منبع: Trustees of The British Museum ©)

1. Urartu
2. Phrygia

پیروزی‌های کوروش در آناتولی در دهه ۵۴۰ پ.م برخی از دولت — شهرهای یونانی، یونانی‌های ایونیه‌ای^۱ و دوری^۲ را که چندین شهر مهم بخش غربی ترکیه امروزی را به صورت مستعمره درآورده بودند، در برمی‌گرفت. افزایش قدرت کوروش بزرگ در این شهرهای مهم که به‌وسیله دریای اژه از همدیگر جدا شده بودند، ولی همچنان پیوند نزدیکی با شهرهای بزرگ و اصلی خود در یونان داشتند، موجب شکل‌گیری جنگ‌های به اصطلاح پارسی در دوره داریوش یکم و خشایارشا در اوایل سده پنجم پ.م شد. البته از دیدگاه پارسیان، این نبردها، جنگ‌های یونانی بود، لشکرکشی به سمت حاشیه غربی شاهنشاهی آن‌ها که انگیزه آن انتقام و سلطه‌طلبی بود و خشایارشا، نوه کوروش را واداشت تا به اروپا و شبه‌جزیره یونان لشکرکشی کند. نبردهای شرم‌آور ترموپیل^۳ و سالامیس^۴ که معیارهای سنت یا روایات غربی به شمار می‌روند، به نوعی نقطه عطف روایت‌های تاریخی و سنتی هستند که نمادی از تجلی مردمان آزادی محسوب می‌شوند که برای جاودانگی جنگیده بودند. این نبردها چنان نمادهای تأثیرگذاری هستند که توانسته‌اند لشکرکشی موفقیت‌آمیز خشایارشا در غارت و تاراج آتن (دو مرتبه!) و دریافت خراج از بسیاری از دولت — شهرهای یونان را که به‌نوعی نمادی از فرمانبرداری آن‌هاست تحت‌تأثیر قرار دهد. آن دیدگاه روایت را از منظر هخامنشی سامان و شکل می‌دهد.

درک گستره و پهنه کشورگشایی‌های کوروش و ماندگاری شاهنشاهی هخامنشی به‌ویژه با توجه به دوره قبلی دشوار است. درباره دوره‌های قبل از ۵۰۰ پ.م جدول گاهنگارانه دقیقی که بر اساس مناطقی مانند میان‌رودان، مصر، آناتولی و ایران شکل گرفته است، به طور معمول بیانگر دودمان یا پادشاهی معینی برای هر منطقه است که گاهی با مناطق هم‌جوار جغرافیایی هم‌پوشانی

1. Ionian

2. Dorian

3. Thermopylae

4. Salamis

دارد. در موارد اندکی یک قدرت یکپارچه مانند مصر در سده چهاردهم یا آشور در سده‌های هشتم و هفتم پ.م چندین بخش از این جدول زمانی را در بر می‌گیرند. در زمان کوروش و جانشینانش، تقریباً تمام بخش‌های این خط سیر زمانی زیر لوای یک قدرت یکپارچه، یعنی پارس هخامنشی، درآمد. سرعت و کارایی شگفت‌انگیزی که کوروش با آن فرمانروایی پارسی را گسترش داد، بنیان‌های یک شاهنشاهی را پایه‌گذاری کرد که بیش از دو سده دوام آورد، شاهنشاهی و حکومتی که تأثیر شگرف و انکارناپذیری، شاید حتی همیشه قابل ردیابی و شناسایی بر دیگر امپراتوری‌های پس از خود، به جا گذاشت (جدول گاهنگارانه را نگاه کنید).

مطالعه درباره کوروش، مطالعه انگیزه شاهنشاهی پارسی نیز به شمار می‌رود. تأثیر بنیادین شاهنشاهی اغلب بر بسیاری از مردمان فرمانبردار و پیرامونی و نه فقط یونانیان نادیده گرفته شده است. مورد دیگر به سنت کتاب مقدس مربوط می‌شود. کوروش به معنای واقعی کلمه مسیح خوانده شده که این لقب در کتاب اشعیا به او داده شده است.^۱ او برگزیده یهوه بود تا سرزمین‌ها را یکپارچه کند و پایه‌های دوره دوم معبد تاریخ یهودی را بنیان گذارد. اورشلیم به یغما رفته بود، معبد سلیمان ویران شده بود و بسیاری از مردم آن (از جمله خاندان سلطنتی) در سال‌های ۵۸۷ تا ۵۸۶ پ.م توسط شاه بابلی نبوکدنصر دوم^۲ به بابل منتقل شدند. پس از پیروزی کوروش بر بابل در سال ۵۳۹ پ.م تبعیدیان و آوارگان یهودی اجازه یافتند به سرزمین خود بازگردند. این امر منجر به بازسازی معبد شد و بازسازی آن زیر نظر پارسیان آغاز شد. این آوارگان با پیام‌رهای و برابری کوروش وارد شدند و آن را در سنت‌های خودشان ترکیب کردند (فصل‌های چهارم و ششم را نگاه کنید).

به منظور ترسیم زندگانی کوروش، کشورگشایی‌ها و شاهنشاهی او ضروری

1. Isaiah 45:1-3.

2. Nebuchadnezzar

است که چندین پرسش را مطرح کنیم که مورخان معاصر را برای سده‌ها درگیر کرده است. پیر بریان در پیشگفتار اثر تاریخی خود درباره تاریخ هخامنشی، از کوروش تا اسکندر این پرسش‌ها را با کل دودمان هخامنشی به‌ویژه برآمدن کوروش در نیمه سده ششم پ.م سازگار و هماهنگ می‌کند:

چگونه می‌توان این طغیان ناگهانی را در تاریخ به وسیله قوم و حکومتی که تا آن زمان شناخته شده نبودند، توضیح داد؟ چگونه می‌توان توضیح داد که این قوم نه تنها توانست نیروهای نظامی را به قدر کفایت برای انجام کشورگشایی‌های چشمگیر و خیره‌کننده فراهم آورد، بلکه در اوایل پادشاهی کوروش تجهیزات فنی و فکری را در اختیار داشت که برنامه‌ریزی و ساخت‌وساز پاسارگاد را امکان‌پذیر کرد؟^۱

این کتاب در واقع قصد پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها را دارد، زیرا به دنبال ترسیم جایگاه کوروش بزرگ در تاریخ است. او بیش از یک فرمانده کامیاب و رهبر کاریزماتیک و فرهمند بود. او سزاوار جایگاه بالاتری در میان دیگر رهبران و کشورگشایان نامدار تاریخ جهان است که پس از او آمده‌اند: از اسکندر مقدونی گرفته که از بسیاری جهات کوروش را الگوی خود قرار داده بود تا ژولیوس سزار و دیگران. در واقع تا زمان چنگیز خان نمی‌توان مورد مشابهی را یافت که امپراتوری خود را از هیچ بنا کرد و از دیدگاه ناظر امروزی در صحنه جهانی به صورت ناگهانی ظهور پیدا کرد.^۲ اینکه کوروش توانست قلمروها و سرزمین‌های بسیاری را تسخیر کند و به منزله یک فرد و فرمانروا در منابع آن زمان و متأخرتر - بابلی، عبری، یونانی، رومی و فارسی - چهره مثبت

1. P. Briant, *From Cyrus to Alexander: A History of the Persian Empire*, 2002, 13, translated from the French original, *Histoire de l'empire Perse* (Briant 1996), by Peter T. Daniels.

۲. درباره مباحث جدید مرتبط با مغول‌ها همراه با منابع به Kradin 2020 رجوع کنید.

و خوشایندی از خود به یادگار گذاشته است مدرک بسیار مناسبی درباره این مرد و پادشاه است.

میراث کوروش در دوره معاصر به‌ویژه در خود ایران و در میان مهاجران ایرانی پس از انقلاب ۱۹۷۹ میلادی و تأسیس جمهوری اسلامی ایران ناهمخوان و متناقض است. این میراث متناقض به حضورنداشتن او در سنت مستند بومی و باستانی ایرانی پس از دوره هخامنشی برمی‌گردد. این پدیده مسائل بسیاری را در بررسی چنین شخصیت تاریخی شاخصی ایجاد می‌کند، مسائلی که در فصل ششم کتاب به تفصیل مورد بحث قرار خواهند گرفت. در سده بیستم میلادی، کوروش بزرگ به نماد ملی‌گرایانه دودمان پهلوی تبدیل شد که میراث پیش از اسلام ایران (به‌ویژه هخامنشی) را بر میراث اسلامی برتری داد. در واقع تاریخ پیش از اسلام - بدون در نظر گرفتن یک هزاره و نیم از میراث جدیدتر اسلامی ایران - محور نگاه پهلوی به هویت ملی ایرانی بود. این اقتباس در سال ۱۹۷۱ میلادی با برگزاری جشن باشکوه دوهزاروپانصدمین سالگرد پادشاهی در ایران با حمایت محمد رضاشاه پهلوی در تخت جمشید با یک رژه بی‌نقص و بازآفرینی درباره باشکوه هخامنشی به اوج خود رسید. انتقادات به این رویداد به‌ویژه از سوی آیت‌الله خمینی تبعیدی بسیار شدت گرفته بود که شاه را به بی‌تفاوتی نسبت به اسلام متهم کرده بود.^۱

نوزایی هخامنشی

با توجه به مقیاس دستاوردها و کمبود اطلاعات درباره کوروش، او به صورت یک مرد افسانه‌ای در تاریخ جلوه‌گر شده است. درک و شناخت ما از کل

۱. درباره شرح مراسم به Ristvet 2015: 4-8 مراجعه کنید. ویکی پدیا (از ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۰ قابل دسترسی است) نیز صفحه‌ای را با عنوان «جشن ۲۵۰۰ سالگی شاهنشاهی پارسی» ایجاد کرده است. در زمینه بحث مفهوم‌سازی شده این پدیده به Merhavy 2015 و نیز Aghaie 2000 and McCaskie 2012: 158-63 نگاه کنید. برای اطلاعات بیشتر درباره کوروش در دوره معاصر به صفحات ۲۶۰ تا ۲۶۳ کتاب رجوع کنید.